

شمس خلد و آنالا خان بوجون هم شریعه تبلیغی داشت قیزیل ایجبار خوش نسل طولی موده بگی
هم قیلو رکار ابریشم یعنی بود در یکم منی سبیشویی نیز سه حقیقت ناداره فاعل میگردید کوچک بود
دستبرادری باز پنهان شارک و در پنهان معاشر است ایجبار در این زمانی خام هست و معاشر است
کوچک بود پوچم تو را کوچک بود و در پر فرمی بود در یکم معاشر است که کرب تو را کوچک
هزار قاتل هادی الاهی جهشی بپنجه برق دین برخیزه او لوق و فیکار ای فرزند سوز اور کافو
در چیزی فیضه دایی و پرلا رنجکار دین کیست و در رکار میگردید ایجبار خود را در چیزی بخواهد
بین خیلی او لوق فرزند منوچی و ایمانی سارین تو را کوچک نماید ای حسین پوست هاری
حال بیشتر باد و در مو جمله بناشی باشمن کوی میگردید ای جهشی ای خورد فصیح ای خورد خش
برزخ شارک بپنجه بوردن فک کوچک بونان شارک دین ای خیلکار ای تو را کوچک نماید
کردی قیزیل بپنجه بیشی سخن کوی بولاس دن شارک پرلا رینه بفرصت ای یکم
سوی کده کوچک با خلاصه ای قرب خانه هر قیل ناپردازی میگزند و ای فرزانی سید
برزخ شارک کوچک دیگری کیم کوکسی آقی باشی ای
بیشی عایی سوز اور کاناس بجهه بوجه و در بوقوفی بیرون یکم دیرلا رینه بین
فوردخی خده بچه همیشی آئی فندق زنگی دار گیوز میگردید بونی دیگر بی راقی و در ای لوق یعنی

که بیز در نزدیک بود و ماده هستنک نمی نیک ای سید آن خاوت کم در پر شاد روز نشست
و بی پنی و او اندیش قویین دلایت هار و اب و اب و اندیش بوقفاری بولاس په پل بخار دلخواه
او لق نونی لپک دری پر نخانی اوی نادنی اند ام بیش تور زنگی هم بیان نمک بیش
در نخانی دین قویی کوکس کاچ فوش نمک قیسب فرزیل در پل بخار بندستان پلخواه
بو بور به صحرای نادوی در اوی نادنی بیل بور نادنی نمک ای سید افری بود در یکم
بر صحرای نادنی فیض خادل و نمک ای چار بنه اوی نادنی دلپک هر زنگ بولاس
بو نهانی بیل بخار دلخوار در او اندیش قویین نادنی در اب و اب و بیل بخار دلخوار بولاس
جلی دو ربه و دا پل بخار دلپک نو ربل بخار بوندیش قویین نمک در بیل بخار دلخوار پد اب و
پنچتم در او لق نونی اوی نادنی پا پر نخانی بیل بخار زنگ بخاری بایل بیم خوی
ناخوار پد اب و بیل بود و در اکریه بود و نه بندستان مخصوصی ای جاس در دلی ای
پنچم بیس بود و در یکم بندستان مخصوصی در بر بردند در یکم بیز نمک دلخواه
پار و بودند در یکم اول دلخواه و دلخواه و بار و بودند لار دین فیسبه ران در دلخواه
نوبنی نمک فرزیل ران زنگی بایل بیس بود و بیل بک قیبل خیل او چاد و بیل بندند
در مادل و لایت لار و بار و بودند بیک ای بیز نی بیل کوکس و افرازی بیل بک

بیل بیل بند

بشه بربودند و در پرپودن کابل خدا آزاد بار در کچک کشیده بودند و در غار پهونچ دین برخیزند
در ای قلعهای کابل را قورا تو دیر کردند خرچل دور ادلوی کوئی تو خدا ای په بوندی نهاد
نهستان تو خدا ای دور کوشتی بسیار لذت پیش در بعضی تو شنیکت که درست ای
غشی بود و بعضی نیک که کسی نیک بایی غشی بود خرچل نیک بایی ای لذت پیش
خوب دور پیچزه دور تو خداری دین بشه می بینم که در خرچل نیک کوشنی هم می باشد
تو خدا دری دیگر تو رکسی فرا در راهه سی بین نیک دور خرچل نیک کوشنی هم می باشد
دور چوک لیک خرچل نیک تو خدا ای فضایه بینی بار پر خرچل هم تو خدار بیوت بینی
برخه هستان بزری فراسی دده اول بزری فرا دین کچک که ای انجکار ای تو بخوا
نمیک فراسی هم دده اول تو بخوا که تو خدا
که دید ای بود ای بدل دین پرده جک دده ادلوی کشیده پیش چادر دهه تو خدا تو خدا تو خدا
باشی نیک بودی نیک تو خدا
دکو کسی آن دور اجاتا کابل خدا پاره در پرچل کابل دا بر دیگر نیک تو خدا تو خدا تو خدا
غشی هم بود بیک ای کوشتی ماشتاب برسانه بر کنترل طبقه بس امده تو خدا
حل ای دور ای بیک فنا نظر پر شست علی گفتی تو خدا تو خدا تو خدا تو خدا تو خدا

قفات و ری د پر کاری بود و دست دستی بزیری سارس و در هندستان دا بولیان
پنده زر نادید و سهار پوچر پنجه دیگرین چمکت الی بفعای بونی دیگرین چمکت آن لونه
بانشی قیب قیبل دور میتوی او پیدا ساخته ای دور را لایخنی رام بولا در دهنده ملک و بزری
مارس تو با در شور چشی چمکت ملک دین خلی او لوق در راهکار کافتن
پاره تو منشوی چمکت نیک تو منشوی دین او زدن رهق دور تو منشوی فرا در در بانشی تو
بونی آن قفات لاری ایا در ده برگ قفات لاری نیک او چهاری دز پل ری آن دور
او رهاسی فرا در درینه بر مکالمه در بونی آن دور بانشی بیع اعضا سی فرا در در اول قده
کار زدن پاره در راهکار چمکت الی در راهکار نی هندستان بک دنک در پر پیه بر
ملک در زنگی در فسی تمام اول دل بسته لارنه پاره در راهکار دنک در دنک تو رهانش
تو منشوی قرار ای تو رهانل ملک دین بعلی چمکت تو رهانه بر تو ش در او فار بله
ملک کاشتاهی پاره او فار دین تو منشوی او لوق را ق در زدن دان در درینه
ملک دین چمکت را ک تو رهانه بر او لوق بزرگ در در او لوق بونی ساره پولیان
بعلی قناتی نیک او رهاسی آن دور بجند او نی پاره در رهانه بر بانشی دن تو منشوی قرار ای بزرگ
دور اول دل بسته باره در بزرگ دین خلی او لوق در هندستان بزرگ دین چمکت

قویمه

تورینه براود و لک تور خوشای دیر کار سونه بود چن دین ایوق را ق دور نزدی نمود
 می پر زنگ و در شخزواد او ایهم پولور کاهی ملعوانات نه هم با بردار کرشتی خلی نمود
 پنه برادر و لک تو شخخ دیر لار قاز دین بزودی کچک را ل بونعای تو مشوی نمود
 او سیمه ایندیپی مادر کو کس آق دور اردقی قرا کوشتی مزه بیش دور نه زیبی
 او نوچ دوچی پورک په بونعای قرار نیک پیک دور نه برسار بود دور اردقی
 تور دنی قزیل نه هندستان نیک اله فرقی دقاول علاحت نیک اله فرقی
 کچک را ل و انجکار را ل دور بیوی بیند ایزد بزودی آقی مادر دور نه بروش دور قند
 بدر مک نه منا بهنی مادر ملعوانات نه منع نیکل دیر لار باشی دکرسی قرا قات لاری
 تور دنی قزیل رلک کرز لاری فیب قزیل او چاق نه غابر اد چون جملان ن
 بوجبت نهن منع نیکل دیر لار نه براود دوچ شپره دور چکه دیر لار او لوچی
 پایا پلا قه بونعای باشی ابت نیک کروی نیک سپهند او فت در خست
 کیم قزمار جمالی نیز دور برش نه نی تو زب هرگون بورب تور اد دور خرابی
 نه بوده نیز بپر هندستان عله می دور مها دیر لار مکه دین بزودی کچک را ل
 بونعای مک آق الاد در مکنده ایه دور نه برفوش فیبه دور اد لوچ لوعی ماه

لچ بونغای خوش نیک پیزیل دور تقدیت هر پیدا از ران پر فرازه ری پار وو
پنه برگرد دور کار دو نجاع بو سونموق دور کار دو نفع دین خنی او لوچ دور یک نیک
پیب قرار داد و ریته چرکویل دوساده زنونی زانچه بونغای زانچه دین خنی انجه هدای
دور طوری لوقور چندستان میلی بو ایشی میزستان ایلی کا شد ایلی:
در منی باشد دور کالین دغت پس با غلار دا بول دور چه بر فوئی دور شفراق
بو سونموق بخاج لکند پیشیب بو بود او نوع دوئی شتران چه بونغای دلوئیه
پیزه نیک پیش دور سوچیوانی بر شتر آی دور قدر اسکار دا بول دور کلش در چه
پیدا بود ریشم کیشی نی دجلیکا دمیش نی آنور ایشیز نی سبار دور بو هم کلش دیخ
پس دور نام ہندستان در یا ان ریدا باید دور قزویکیلسته دوبایدی لونه کی
وزرت پیش فارسی پیش رو رایدی بونغایی خویی بونغایی هوندین او نوع ران
هم بو راهیش هاریم فارمین او زور فران تو منوی هار بو فقاری هی تو منوی
دو قوئی تو منوی هدایا ایچکا ایچکا فشار کچک تیکلا رسی هار سوچیکار دار بو ایچکی پایه دو
پیشک آیی دو ریشم نام ہندستان در یا ان ریدا بول دور سودین جیا بارچه
باشی کو دوزد کو دو نجاس پنه سوند جو مار فو بر وقی کو سوزب هار دو نیک

سبیل

پس ر توشی و پک اوز دندور داد شا ق مطهار میشود، هی برد و راه رکا باشی و نه کن
 و پک هور سودا اون چار دفت هنگ پو نموق کور زناد ده سر د سونی دانی خواه
 آنی و را د چار محل سودین درست صفائد در پو باشی و پک سودین آشخانه همگز
 صفائس پنه کر مای د در بود لوق بور را بشی سر ده را بشید اچه پک اپلی دین خان
 کلبنی کور د جانه ر بونکشی فی آنور ابشن سر د لقا بشید اینجا نه اچه ایکی د اول فی آنی
 خازی پور جبله جبار سار اسید اور د د اپلی دین اوچ نورت کلبنی فی آنده ای اونبو
 نوری د این هم کر مای فی بر اف را ف دین کور د دم ایادان متخصص کور سولی دی
 کل بیانع ده ر ایکی فولانی هنگ نزهی ایکی سونکاک پیقب نور اوز نمی اون هنگ
 بونکشی تر تقاده ابو ایکی سونکاکی تبرانه ده نزهی هور اون یکل د د رخانی اهل
 یونی جیشی دین کله د پستور کار بندستان باینچ لاری هنگ کوشتی لذ پذ بول
 بیدی فیشی و بیاس هج بیت باینچ لار ده برقا نه هر بونک ایکی طرفین
 ز رس ایس بیدی هور نهیک بدرنی سودین هایم خاری هنگ کو بر ایل بیغاوی
 ایکی باینچ هر نهیک کو بر ایل کور دین بر خاری بی قفاره اف ساچرا بله بی خوار
 په بندستان نهیک بیشی سو همید اد شان باینچ لار بار بر خاری هنگ هایم دین بی

بچاره سپاه می دن برقاری پرماریم خاری بلند پیاده در راه پیشان
بعد از این که را اشغال نماید و دلک تو روی بوقه در سوی نیک بونه دامنه میگذرد
پوکور اود راه کیم هندستان خصوصی در راه اینه در اکثر هندستان
این بدلی پیکرت مخفی پیله راه ریان مخفی و بود او پون بعی فرز و پیوند
نمیک یکم غواص فرد پیور نفر کن هندستان نفرین
میوه هندستان نیمه نیزی بوله در خلیه میباشد در دل نیزی کلم بوله دارد
الز خام اوز اود راه را دچار اینه در خامی خوب آش فاتحی بوله در غوره هی
مرابی هم خوب بوله در فی الواقع هندستان میک نیزی میوه هی بود راه راه
بی راه بده بوله در بعضی اهل اینه انداف نفرین فیض ایمی هر کیم فاده
دین اوز کامیج میوه کامیج فیض بیل نفرین بیف نیزه فرو ایه سواره کی
شک نونه شیاهی میزه کمال و قی داری جهوده پیشادور ایکی فیع بلوه پیش
پول فیض نیزه برینی میشیب میوه سوی ایچاره لار بزه شفای لوی کارهی
بهری ایه میشیب برکار برکی شفای برکی خدا ایه ایه اشاره شنی بی خا دیده ایم
بنگاه داد یکرت نیزه بوله ایمی نیزه کیلد در مریب میزه در پرده فی غمی بند بیک

بلکه رخت

بلکه درست و سبب هم بولاس کیا و بعد درست از اسید ابر نموده و در بر کی اما ان قرآن حکایت
 شد و در می کنند نیک بر کی نیک اوزون رونی ای کی فاری بولو راه سینی پر فاری
 یاد داشت از ناسیم ایور ایک دلک بر شان می خواه فنجانی داشت ای دابو ایور با علی
 می قوئی بیاکی و فتح بیش دو رنچویی نیک در بر کی آجدهنچه بر کی نیک تو چد اتفاق
 می بخی بولو راه فشار محل هر چنده بولو راه شبو بول ایک دلک شان اوز افان سایی
 ادویه نیک بر کی لاری آپسی فشار کنده لاری فنا هر بولو راه چند درنی بزر
 هون پرورد هشیش کنند نیک ای کی لطفی هار پر اول یکم نیزی کسان سو دل بور به به
 او چشم همچو دانی دبری بولاس باد نیان دین بر نیمه اوزون را می داشت کارا
 در نیلی مر جوک بولاس نیکاده کنده لاری بسیار جو جوک بولو راه هشیش خلی غونی کا
 در فنی هار هاسی هایی خوش نیک سپه بر کی لاری نیلی همی کو مذو راه به اینی دو
 خواهی هندی نی کی دیات بدرا اینور لار رینه بر کی های بولی هار کی خنی الکرانه
 دی مو نیک بر کی بول ای بر کی دین ریزه ران تو رجهی خوش ناد رفی تو ریکی
 خابن بولو راه دنی خلی بالده بولاد در صحرانی سی هم خابن بولاد در ربه هبوده
 محل جهان هم و بر لار مو نیک صرفی هم نی بالده بولو راه هندستان ای نیک

ا. بی اکثر همه دین دو رسمه نیک کلی دین عرق نار نار لار کلی نی مو زده
نور و نوب بر بر در عرق هم نار نار هم نی بلکه نشانی کامنی باز
کلی نیک کلی هم بان ایاس میباشی بور بور هم صحرایی بور دو رسمه می باز
بور دو راه همی او لو خرائی بر نی یو بجهه مو نیک فانه همی نیک خر نی پی
یانع هم نار نار هر بجهه کرنی دور مو نیک در ختنی اکرچه کوب بالپیده بولاس
نیک هم بولاس میوه همی ساریخ زنک بین دو ریکله دین اپنی رانه
خره همی الیکه او زد میکه اوفت او آفرید آنرا پیچیده همینی بار بان ایاس
بخار پولو رود راه همی نیک خر نی یو تند در بجهه جامن دور بر کلی مال بر کلی
آفت کرد راهی دیاشیل را قسوس در ختنی خانی از خوش نابق ایاس می باز
قر او زد میکه اوفت او رش ران خره همی باز خیلی نیکی ایاس سورینه لکه کی دور
یخ پیلو در او لو قی لوئی فنا او بور بونغای او تو چلو غی نورت ایک بونگا
سار پی نیک دو رسمه نیک هم دانه همی یو قسوس خام ران او زکانی کو یقی
دو بجهه سپهانی نیک خرس لوئی همی خوش دور بان ایاس خانی بونگا
ایاس نیک که هن دو ری خربی پی بیارت دید خره میوه دور بجهه خوبی -

نار بندور

قدیمی دلکم که پدیده نمایند پی ناشعارهی بونعای مژدهی دل آشوده چوی ده
اچیزه اندق دلک فندق دلک دانه لاری بار خرماخنی ابلو شیخه می باشد می دانه
لاری گرد دراد زدن ایاس دور پردازه لار نمیک نخه دین بوشق را ت
کوشنیه باهانی جد و رار چنی پسنده ده چیزه بینی دین بعضی ایلکه ایهله
با علوب بر اینش لار اهم درخت نمکش نمید ابول دور هم تنه سیده ایلهه بیداهم
بور اینش درخت دین کو بالم کسبه لار نی ایس ایس بسب تو بور بیور لار پیه دل
دوراد بونعای اکله به بونعای ایده بان ایاس خام بیغید افریب بوش دین مر
نمید در پیش بان ایاس بوشق میبا در هر بیدن ایلک پهله اوز دنیه
بور لار در مژده بی نمک کنده بونعای نمیه نهی او فر رزش ترسی نهی نهی هر چه
پار پیه بیرد در فارسی لندار در پار اینش پر افع بولاد در آکوه دین بر نمیه دو تو
دق در بور نوی بولاد در چیزی اوز دم اند امید اکثری نهی نیشی بولاد ده
با نه بور دامپس کور دل چنی نیشی ایده مونمک در فنی تو رو دجوز ادا برک
نوکوب بر عان در اسد نه کم مین بینکال در بول چغار بب قناده بولاد
بیوه می درو دروت نه پندا در پنه کر دنده در میز نمک ده بنت نمک

یو سونوق بر ته بوده بوده در بجهه خل را بلو دبو دشت کار دا باره دو در مزه بگی
در دشت ریخانه دین پر پوکر ای کلم آب ات نور پنهانه کار دوز آوره دین او لترات
تود قیزیل آنکه نیک خود همیز شیرید و در ترش میزه مزه بی ماریشی میزه دو در دسته
نامار جخا چیزی او لترات تو ریگل با دام بر لپوزه افتخار یه کلر دو در پوهه بی ده
نیک ته نی دین چهار را اخیره داشت را کلر فریضه بازه بمهه دو در پنهانه دور
بوده منع پهلو دو در فوزه نیک خیر سپیره دشت نجف دین مزه بمهه دو در مهابی
ای باس نیلی پر خاچه بمهه دو در فنی نیک بنهشی هیا تی با دیسیار ریزه بر لیک نو
پنهه پر و پی دو در فنی کوی ایست بزنیک بلند ردا ای تورت زوب برا ایها داد
منوکه اپله دم بمهه نه نیک شیرید و ده مزه بیان ای باس نیکه مخزی پهله با دلم هم
نیکه ای سید ابر نجده دو ریان ای باس مخزی بسته مخزی دین چیکه ال تو رو شک
نیکه مخزی کرد تو را پهله ده ذه جهلو ای رهه کوره دو ریکه پفر ما همیشہ
محصولی ای باس جون ادل دل دل دل داده ای دل دل دل دل دل دل دل دل دل
هم بار دو داشت که ای سید ابر بر داده کوی بوله دی فرماده شی دنها
نیکه چه دین ای چهو جا ای که فرد ای دو دسته نی دیهوار دید رنگه دو دیوهه می بوز دی

غسل خوش

بندخو ششی دیک بود را ز دم نیک و شر سیدن خلی او دو خواق بود بور دیگار
 لیم خانات از اینها خرماد رفی نیک ایلی ایشی حیوانات تو اوضشار بر او نکنم پیش
 لیم حیوانات بخشی میسره از جان منطقه بود را خرماد رفی نیک هم بندخو بجهه
 قور دوینه برا او نکنم بچوک لیم حیوانات میں زینه عاصل بولاس خرماد رفی نهم
 نزد دین خانی نی کیسته دوبنگلر ما سه در بختی ببریاس بوسوز نیک حیعنی علوک
 ایاس خرمانیک بندخو لیم خک در بودی ادل فخر دین بمارت تو رخوا پنری اندان
 بود را که نخ دبرک نیک چهار پری میزد نیک آن بود دود براق خپردیک
 شاخ در بک چغا و در شاخ دبرک اوز اخانسای بولی سبز را ت بود دو راق
 نیمه خرمانیک فخری در لار طور بود و بمان ایاس نجات نیک ادل نزد بنه نیلی
 اذن بسو فخری بولو ره بمنی زخم فیل دوک را ادل زخم خرماد بکلی نی اندان فو باد دله
 لیم ادل زخم دین در سوکیسه بوز دارک نیک ادستی پدر انفاد در بک نی کوزه نیک
 آفرینه فریب کوزه نی در فست غه با خلاب تو رلار ادل زخم دین برسو کیم عاصل
 بدر سر کوزه داینیه دو را گرفتی ایل ایچیسه بچوکان راک سود در اوح توست
 کونین سوز نیک چهل سری الیک بینی بار در لار دین بر فربت بارخی بیرونی بیانه

اوّق بوور ماره بزم خرما دیک کرزه با خلاط سردی لی ایش پچا دو رکار بو سوئی یانک
 دید و در درون یک نیک کی یعنی فرماسونی یانک کی یعنی پن تقدیم ایش بوور ایش نیک کی یعنی
 شناغه دری نیک برخاداری برخاداری خود پهنه همچو بکی و بکس اندیش سوئلک
 تیرق برکت شافی نیک او چد ابر بر دین اوّق پچه اور او در بو رکاری نیک او رکار
 برخاداری پادشاهی خود را فرموده بزم خود را فرموده بزم خود را فرموده بزم خود را
 هندستان ایلی نیک کی نیک قوه قدری خیلی خوب شوک لار بیکا خلوک بوکا سرخه بار
 دین پاساب سکا دو رکار دو شبهه مار برکی دین قولا ق تو شوک کا سالماق او جون
 باز از لار دایا سارب پاساب سارب نادو رکار تنه بزم خرما دو رکار تنه بزم خیلی
 راتق دجهواره راق تو ریزه ناریع داده ایلی مشابهی میوه کار دو رکار ناریع ملعوانات
 دیجور دسواده کو رب بو رکار خوب بو رکار ملعوانات ناریع کیمک کی بسته بخلیک
 بیکر بیکن دنارک پیرا بیک بو رکارسان نواحی حی نیک شاربی خدمی همچو بسته بیک
 نازک بو کیم دو رکار کیم ملعوانات پن کا بل کیم اون اوچ اون نورت پیغام
 کل ملکو تو بضم ناریع کار خواب بو رکار است ابادو نما بخی لی هم فرمذه کیم ایکی بو زیبیش
 ایکی بو زیبکان بیچو بونعای اینکار را تیریمی غلک کا بین بیک دین دکم آب بیگن

از خراب بولاس بچو رنگ لاری نیک او ز خوبی هی جو بود سوی کوچور و از نلا
نمیخوردی نیک سویندین ترش باق تو رخواجه لان دیری کیم بیور داده شدیں
نمیخوردی درست میز قرایب نادیک چی نیک نیخ چی نیک خدمت فرموده ایم
ایمی کیم نایخ نیخ هرب مانند دور اوت مذاق اوی ایلخان دور بیور داده شدی
نمیخوردی نام نازک دید در لار پنه پیمود در بسیار بیوار دور ادو غلوی دیور گوته
اندام بیش قرایدی نی سهوم فانیانی پا مضری و نیخ بیور راه است نیز بران
شایی بیوه قرایخ دور بیور داده ایی بانک بیور در بجهه میز نیخ بیک
مریمی نی مریار بانک بیار ایش هر بندستان داشتی بچو ری دید در قرایخ
ایی نیخ بیک دور بیک پوچوک بی مزه دوال آشور پوچوک چیرکا گزو دارا ماس گزگز
مریانه بارانهای نیز نات نیک زیبی او شنونداق قل آشور پوچوک قرایه بچو ریکه
و بندستان قریخ لری ترش بولادور و خوب ترش بولادور شری بیکار خو
خرو دخوش میم بولادور قرایخ نیک او غلوی فردی قادن جو بونهای بوسی
قو تو رو تو رو نما هم ادار دور ادی اچکه دو مشتوق بولادور قرایخ نیک نایخ
و بندی نیکه بیکار قرایه قدری نیک درست بولاس لیک اک بولادور دیور گوته

بود و بر کی نارنج بر کل دین او نزرا ف بود و بینه نارنج مشابهی میوه دارد دین
 دور زنگی و دفعی ترنج دلک در هایش مو نیک پر زی سید ام دور ناهمراه
 ای اس خودی ترنج دین کلک در ورقی او داق بود و در اورول در حی پلکو
 بر کی نارنج بر کلکه او خشار خوب ترش بین باشد در شریعتی نیتی لذت بین خوش
 عجم بود و در بیمه دلک مقوی معدود دور نارنج دلک ضعف ای اس نیز نارنج
 مشابهی میوه دور دین او داق بیمه در لیم بند ستاده الکل بیمه دید و در لندن
 گاز یورتو میسوز او خشار دلک دلک ای اسی باشی اچک راک ای اس مو نیک پلک
 به منکاره بوسی دلک هماره دور خوب بسی اب بود و در پیره پیری بود
 بین نارنج مشابهی دور از این نارنج دلک تور دی زنگی ساری بی تور نارنجی ای اس
 ایدی ترنج ایدیکا او خشار مو نیک هم یعنی ترش بین با برینه نارنج مشابهی ای اس
 دور امر و داند ام تور زنگی بی زنگی دلک تور چوک بود و در دلی چوک
 نارنج دلی سورا ای اس نیز نارنج مشابهی آخوند دلک دور بینه نارنج مشابهی کرمه داد
 . نیک دو خونخی الکل بیمه پونهای بی هم ترش دور بینه نارنج مشابهی ای اس
 دور بیم بود ای اس دلک بری ایدی نظره کلکی ای اس دلک دلک دلک دلک دلک

اچکا ساره در ایران تر شی پسندین مو ایکن ناخواسته میشی
دیگر هم پونهای پنهانه سهان داموری بیکل در راه دود رپر جاسون دود بعده بسته
گذبل دیدور گیاه ایکس درختی ساقی پیش تو ریگن دین بر زیره بلند را قدر ری
آه رکل دین هنوز پیر را قدر اد لون علوفی قریل بیکل پونهای ول قریل بیکل پونهای
منک برادق آچکور پوچاسون کیم آچکدی اور ناسپدین بنه هم اشکور
دین اچکل بربوب تند دیک برایک از را بزه اشکور پوچاسون بیک دلی
آچکل در حاصل دو سبزه بیک بولا دود رخالی از را بزه ایکس درختی میک آه
بسیار خوش نمک فوش ناکر نماد در گوب تو را باد در گر کو خدا اوق پرمده
بوکا دود رزرت آئی پیکال آجی دید اصر دخوب و گوب آچکور دود رخاب اکثر
پیک آچکور دلی بیکو بیک بیک ایدی بیک تو ره بیک زرد در تی هم بولا دود رزبل
هم بولا دود رزفتا لوکل دفعه بین نیخ بر که بولا دود رزبل کسر میک خدا تو کلی هم نباشه
بار دلی کنزه اون تو رت اون پیکل بر پرو اآچکه دود رپراهه دین برادق
کل دیک کر نماد در صور میک بوچی کلین دین او کوز را فتو رزبل کسر میک
طوری غیره ایدی بزر خوا پنده دود رپرا هم بیکال دا کوب اخوب آچکه دود ره

از زبل

اکثر پیل کاچلور جه کپورا و دلبیار لطیف احمدی بارشکن نیک پسی و دو رنگ
 دونی بار در در موئی شکر زرد پسرہ و دلبیار لطیف احمدی بار در اگرچہ او زنی نیک
 نزیبی رجیانی بار در رنگی نیک دو رنگی باریم خارجت ایلی خارش پوچھائی
 خواه بر کی دلیک از دن پر کلار دو رنگی نیک خیانی بار در در عینه دلیک خیان
 برک هادی خراق خیان دلیک ایلی خیانی برک هادی خیان دلیک
 اچکاریکی برک هادی خیان دلیک ایلی خیانی دلیک نیک دو رنگی دلیک
 خشتی احمدی اندین کیلا دو رنگی چیخی بیوزتہ پیدا اپنی خانی ایک کان خاشنیک
 بیوزتہ بیوزتہ دلیک برکی میں ایقان فروختکان بیک تہ بیک بیکاری
 دو رنگی دلیک کو دنوب زر چور جنہ با من بواد دو ران موئی خیان دلیک
 بیکنیک برای من دلی دین او خراق دلی خیان دلیک دو رنگی دلیک
 خرد اور خست قصل تو رہنگستان خداونج خصل دو رنگست آئی بار دلر
 خودت ای خیش ای لاری خیک بہدا ای بھل آئی لار خیک ٹھیک بیکی دلیک
 خداونج جل دا بر آئی نی خیان ای کار بیک زیادہ بیکور کار بیک خداونج
 ای لار بیک زیادہ بیکور بیک خداونج جل دا باند آئی دلی خدبوک رنگی پسکر

گیگری بو دو

ما بستان موافق

بنگال موافق هر طان

زمستان موافق عصر

ای نصوی کیم تو رتار آی قیس قیس تو بد مر فعل داین

ای رارای نی ایست نیک و یا نین نیک و سادوق نیک ز دری تو تو بتو

لار پاز ای لار مین ای سونگنی ای کیم پست جد اساردور ایست نیک ز دری

بو ایکی ای دوست بنگال آی لار مین ایکی بو رد نی ای کیم سادون و با دون ن دور

نیک ز دری بو ایکی دوست قیش لار مین ایکی او رتار ای ای کیم بوی و ما بو

سادوق نیک ز دری بو ایکی ای دو ربو استبار بیز بو ز نیک فعل آنی

پولاد و رکو خلا رکا هم انت فو بو چور لار

حدا

چوک کیم ز نیک دابت لار

دهد

لچه کوند ذرنی بلکه دز دست قیس قیس تو ردار مرقا بی بی سی بر بیت و پی مو

ویرسا عینی آنی قیس قیس تو ردار مرقا بی بی سی بر دیمه دیمه دیمه دیمه دیمه دیمه

و کوند ذرنی دست پوز قیق دیمه بونی دیمه نیک بنداری تغیراتی

آلت قلن

آئی قاتله فاتحه نی بسم الله جل جل اتو غوچه دور رکیم بر کچه کوند و نیزه فرنگی
 قرق نوبت فاتحه نی بسم الله جل جل اتو غوچه پونهای بندایی کچه کوند و نیزه
 نیزه قدرت قدرت دور هر چاپسی نی بر کری و میب تور لار رنه کچه کوند و نیزه
 نیزه قدرت قدرت قدرت تور لار هر چاپسی نیزه پونهای بندایی کچه کوند و نیزه
 بونهای اول و لایت لار دا باس و پاسبان نیزه شیلور ایدی بونهای بونهای
 بجه معلوم ایدی او شیبو صدیقه بستهان نیک بمع معتر
 شهزاده اجمی عصر و معین دوره رکیم کرمایی دیر لار برع دین چشمی خود قوچه
 دورادو خنونی طبقه بونهای کالین لیسی ایکی ایک بونهای بونهای بونهای
 دیر لار بونهایی بر جند پردا اد بزان قدرت قدرت تور لار رنه بونهای لاری طام
 ساعدت نیک قوی شیلور دوره رکری دا بر تور لار کرمایی لاز نوبت پلی
 بونهای سوده قویوب منتظر دیلور مثل کون تواند دفت تین کیم
 نی قوی دیلار عاس بر تو سره تو قاف لاری جلد کرمایی دیر اور اور ایدی تو سه
 ایکی ما هر رونا کلوبه هر پر کیم تو کانه حلا می دو دور رکیم تو قافی کرمایه باریات
 دهدیز چیز ما فار لار اکر کوند و زدن اونی پر بونهای بونهای بونهای

سونک ایلی فا فاره در اینچی پر بونغان بو سر باش باش خان
سونک ایلی فا فاره در او جو نجید افعی تو رو پنجد اتورت کو موز دز نیک تو رت
کیم ز کامه می کپه پر میں بنشد ب ز بوسک استور بدل کپه نیک تو رت پر جی لو
در بوردن کریالی لار کپه کو موز دا پر لانا لانا ادی هر علامتی فی فا فاره
کپه لار او یقودن او بونغان خامی هارند اوح کری با تو رت کری نیک فا فان
اویل کپسی ادی صعوم بولاس ادی کیم اینچی پر مودور ما او جو نی پر مودور
میں بو بور دوم کیم کپه کری لار بی دبورت لو ق کو موز کری هار بی فا فان
سونک پر نیک علامتی فی فا فان بور میل کپه نیک او لی بور دن او ح کری
سونک و نیک فیس پر نیک علامتی فی بی برم فا فان بور بی معلوم
کیم او اوح کری او لی بور دن دور کیم نیک او جو نی پر دن تو رت کری
فا فان میں سونک دز نیک فیس پر نیک علامتی او ح فا فان بیلار بی معلوم
بونغای کیم بو تو رت کری او جو نی پر دن دو ریلی بی می بولدی کپه هر د
او بونغان دندا اکریال او فی کپسی منخف بوله دور کیم فایسی بور دن بخ کری
بو بوجور بیه کری فی البیش بو بوجور لار هر بی پل د پسور لار کیم هر بچ

کو موز

کوندو زاده منیک آنی پوز پل بو نعای بنه جریل مقدارینی المیش فا ملا کونزی پو تو
 اسخونه درب نور لار کیم کیم کوندو زاده ایلی پوز اون آنی منیک کونزی بو موتب
 بو نعای بنه بره پی تجبره قیبلیده قصره سبلز فا ملا فل بو الصنیسم الاصد
 دوقوفونه بودی کیم کوندو زیلر سبلز کونزی سبلز نوز فل هوالدیسم الاصد
 اوقوفونه بودی دزن لارنی طوی عین قیب نور لار سبلز کونزی
 نورت ما شه بر تانک کیم او نوز رابی رتل بو نعای پس ما شه بر متعال کیم ترق
 رتل بو نعای اون ایلی ما شه بر نوله کیم نو فسان آنی رتل بو نعای اون نورت
 نوله بجهیر بو جود مقرر دود کیم هر بردا فرق سپر بر بانهان بو لور اون ایلی بان
 بروان پوز هانی برمی سه دبر لار جوا هر د مردار بدل هنک بدل هنار مار لار
 بنه بند ایلی حد دنی هم خوب عین قیب بو لار پوز منیک لک دیر لار بو
 لک دیر دیر پوز کر درنی ارب بز ارب لک ارب بز کرب لک پل پوز نیل
 هم پوز پدم نی سانک بو حد دلار بندی سیسی هندران ایلی منیک بدل
 کافر بو لار د در بند ایلی کافرنی هند د دبر لار بز منیک سهابن لار داصحراد ایل
 ایل منیک فیلر پیلر آندری بو لور موند اهم دلابات دیکنست ه می امنون

پل کار خنک تسبیح و پر از خود ری بولا دو رنگه هر چند که کم بدر آنها نسبت داشتند
نی می خلا کید سبب تواند بستان کنم هفتم برد اتفاق بولو بورا بعلی و آنسون بون جسدن
دار شش در تهد و رفت بون طبع داد راک بوق داده بون و کرم دمروت
بون و کرم دمروت بون و هنر لار بده او اینسته رید اسماق داده ام دجهه دل که بآ
بنی آن بون و یخنی است بون داوز دم دفا دن و یخنی میوه لار بونی بون
و سادق سویوئی دباز ار لار داینی آش و یخنی نان بون دهام بون و درمه دی
نه بون و منوی بون شهدان بون شمع و مشعل او رنجه همچ کنترل کری بون داده
و بونی دید و دل از بیک لار بیک لار سره پاپه تو تو بور لار کم بون سره پاپه
نیک بر پاپه بی نیک او چند اشعدان نیک بیشید بلکن بیورنی سره پاپه عاجی همچ
تو رلار برو نان فیلز کم بانی هارهان چه بون غای سره پاپه نیک بیور دلک نیغه
بانهوبن رلار او نیک بیک دیده ابر کرد و در کم قوشکی نی نار را ق تو بون بون
کار کم سویا می این اینجا چور دب افاده بزرگان میتواند بانه همچنان بون سره
و بن بانه تو با دو رنجه و مشعل او رنجه همچنی استوان قیل ددر لار بانه دهار
و پیک لاری کا کچه هر رنجه ده اجتنب بولغون بون اینی بون سره او شبور کم دیوی

دوہنی